مخالفان خارجی موافقت‌نامه هسته‌ای واقعی هستند؟

◆ ابوالقاسم دلفی
◆ سفیر پیشین ایران در فرانسه

در شرایطی که مذاکرات وین به منظور اجرائی‌کردن مجدد موافقت‌نامه هسته‌ای و رفع تحریم‌های ظالمانه بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران در اواسط اسفندماه گذشته به مراحل قابل توجهی برای طرفین مذاکرات رسیده و بسیاری مدعی بودند که توافق قریب‌الوقوع است، به ناگاه و در فاصله ۱۰ روز پس از تهاجم روسیه به اوکراین و آغاز تحریم‌های اقتصادی وسیعی علیه مسکو که در دستور کار غرب و اروپا قرار گرفت، وزیر خارجه روسیه طی اظهارات غیرمنتظره و غیرقابل باوری درخصوص روند پیشرفت مذاکرات هسته‌ای و همراهی مسکو با این مسیر خواستار تضمین کتبی از ایالات متحده برای مصون‌ماندن مناسبات اقتصادی روسیه - ایران از گزند تحریم‌های حوزه اوکراین شد. بدون نیت ورود به پشت صحنه‌های این موضع‌گیری روس‌ها که در ابتدا با عکس‌العمل‌های برخی مراجع رسمی جمهوری اسلامی ایران نیز روبه‌رو شد و به گونه‌ای پیچیدگی‌ها و فراز و نشیب‌های روابط تهران- مسکو و صحنه‌آرایی روسیه برای تهاجم به اوکراین را به ذهن متبادر می‌کرد، این موضع جدید مسکو، مذاکراتی را که به زعم بسیاری از دست‌اندرکاران آن در آستانه به بار نشستن بود، با چالش روبه‌رو کرد و ژوزف بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپایی و هماهنگ‌کننده مذاکرات وین، ناچارا درخواست توقف مذاکرات به دلیل عوامل خارجی در روند گفت‌وگوها را داد. نگاهی گذرا به رخدادهای فاصله زمانی تعلیق گفت‌وگوها در اواسط اسفند و سفر اوایل فروردین انریکه مورا، مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای اتحادیه اروپایی به تهران، بیان تصویری از توافق‌نامه هسته‌ای وین است که عدم دستیابی به آن، تبعات اسفبار فراوانی برای کشور به همراه داشته است. درخواست تضمین روسیه از ایالات متحده و ایجاد وقفه در گفت‌وگوهای وین توسط ژوزف بورل به دلیل «عوامل خارجی»، در شرایطی رخ داد که ظاهرا متن نهایی توافق «تقریبا آماده و روی میز بوده است». در این مقطع ند پرایس، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا، اعلام کرد چنانچه تصمیماتی در مسکو و تهران گرفته شود ما می‌توانیم توافق را نجات دهیم و اضافه کرد که تحریم‌های جدید روسیه هیچ‌گونه ارتباطی با موافقت‌نامه هسته‌ای ندارد و نباید هیچ‌گونه تأثیری بر گفت‌وگوهای وین داشته باشد، ضمن آنکه تمایلی برای پیشنهادکردن به روسیه که جدید و خاص باشد نیز نداریم. متعاقبا آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا، مطالبات روسیه از توافق‌نامه هسته‌ای را خارج از موضوع قلمداد کرد. همچنین استفانی الکاک، وزیر امور خارجه بریتانیا، سرخوردگی عمیق خود را مانند «فیلیپ ارزا»، وزیر مشاور در امور خارجی فرانسه از تصمیم روسیه در پیام‌های توییتری ابراز کردند. در همین حال اریک بروئر از «مؤسسه مطالعات آمریکایی ابتکار تهدید هسته‌ای» درخصوص موضع روسیه اظهار کرد که «به هر حال بحران و جنگ اوکراین به طرز آشکاری تأثیر خود را در پرونده‌ای که به‌طور معمول می‌باید از تنش‌های جغرافیایی مصون باشد به جای گذاشت. ایران که دارای مناسبات نزدیکی با روسیه است در این شرایط در وضعیت سختی قرار گرفته و ایالات متحده را متهم کرد که مطالبات جدیدی را مطرح می‌کند». منابع اروپایی هم در این شرایط انتظار داشتند تهران و پکن برای عادی‌سازی اوضاع با مسکو گفت‌وگو کنند در حالی که ناظران مذاکرات وین نگران آن بودند که مشکل ایران به عنوان «ابزاری توسط مسکو در مناسباتش با غرب و ایالات متحده به بازی گرفته شود».

در این مقطع و نظر به فضای عمومی تحولات داخلی و بین‌المللی، وزیر امور خارجه در سفری به مسکو با آقای لاوروف دیدار و در پایان وزیر خارجه روسیه در جریان مصاحبه مشترک با همتای ایرانی خود اعلام کرد که تضمین کتبی لازم از ایالات متحده را دریافت کرده است. در حالی که به نظر می‌رسد موضع‌گیری مسکو درخصوص مذاکرات وین و دریافت تضمین کتبی، اعضای درگیر در این مذاکرات را به شروع مجدد مذاکرات سوق دهد، نمایش فشارهای منطقه‌ای برای تأثیرگذاری و ممانعت از روند پیشرفت مذاکرات شروع شد. در این شرایط اغلب محافل سیاسی منطقه‌ای به همراه رسانه‌ها و مسئولان رژیم صهیونیستی تلاش خود را درخصوص اجلاس غیرمعمول کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی با حضور وزیر خارجه آمریکا معطوف به القای این ذهنیت کرده بودند که هدف اجلاس «مقابله با روند اجرائی موافقت‌نامه هسته‌ای» که صحبت از قریب‌الوقوع‌بودن آن نیز مطرح است، بوده. اظهارات آقای آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا، در این اجلاس و سفرهای متعاقب اجلاس وی به مراکش و الجزایر و طرح موضوعات اختلافی بین رباط و الجزیره با هدف فراهم‌سازی زمینه فعال‌شدن خط لوله گازی مسدودشده الجزایر از مسیر مراکش - اسپانیا به سمت اروپا، حکایت از اهداف دیگری از سفر وزیر خارجه آمریکا به منطقه داشت که آرام‌سازی شورش مخالفان موافقت‌نامه هسته‌ای نیز در دستور کار آن بود. در واقع آقای بلینکن در این سفر از یک سو تلاش کرد تا نگرانی‌های منطقه‌ای و به‌خصوص در آنچه را مربوط به کشورهای حوزه خلیج فارس و رژیم صهیونیستی در قبال مذاکرات هسته‌ای وجود داشت، کاهش دهد و کنترل کند و از سوی دیگر با سفر به الجزیره و رباط پیگیر موضوع خط لوله گازی الجزایر و روند خودمختاری جبهه پولیساریو که در دوران ترامپ با چرخش‌های رادیکالی در مواضع آمریکا به خاطر قرارداد آبراهام روبه‌رو بود شود تا اروپا را نیز در بحران اوکراین و آینده انرژی قاره سبز همراهی کند. البته آنتونی بلینکن در جریان سفر خود به سرزمین‌های اشغالی و سایر کشورهای عربی درصدد بود به رژیم صهیونیستی و شرکای واشنگتن در منطقه خلیج فارس اطمینان دهد که ایالات متحده قبل از احیای موافقت‌نامه هسته‌ای با ایران، مصمم به تأمین امنیت آنهاست. به زعم «وادی ابوناصر» مدیر مرکز مشاوره‌های بین‌المللی در حیفا، کشورهای شرکت‌کننده در اجلاس «Neguev» با ابراز نگرانی از موافقت‌نامه هسته‌ای با ایران، خواستار آن بودند که ایالات متحده شرایطی اضافی، نه‌تنها درخصوص برنامه هسته‌ای ایران بلکه در زمینه مسائل مربوط به تولید موشک‌های بالستیک و پهپادهای ایران نیز در نظر بگیرد. به گفته آقای بلینکن، از نظر ایالات متحده موافقت‌نامه هسته‌ای بهترین روش برای کنترل برنامه هسته‌ای ایران است که به دلیل خروج ایالات متحده در دوران ترامپ از این موافقت‌نامه، از کنترل خارج شده است. این موضع‌گیری وزیر خارجه آمریکا در حالی بود که وزیر خارجه رژیم صهیونیستی در اظهارات خود با مخالفت آشکار با دیدگاه همتای آمریکایی‌اش در مورد موافقت‌نامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران مدعی شد اسرائیل هر کاری که لازم باشد برای متوقف‌کردن برنامه هسته‌ای ایران انجام می‌دهد. بنا بر اظهار «جرشون باسکین»، کارشناس مسائل سیاسی در سرزمین‌های اشغالی، در اجلاس «Sde Boker» واقع در کیبوتز صحرای «Neguev» واقع در جنوب سرزمین‌های اشغالی و نزدیک محل دفن بن گوریون که برای اولین بار پس از تشکیل رژیم صهیونیستی صورت می‌گرفت، وزرای خارجه چهار کشور عربی امارات متحده عربی، بحرین، مراکش و مصر به همراه وزیر خارجه رژیم صهیونیستی و ایالات متحده حضور داشتند و به استثنای امارات متحده عربی سایر شرکت‌کنندگان این محفل ضد ایرانی، فاقد روابط دیپلماتیک با تهران هستند. به اظهار نام‌برده هرچند این اجلاس با هدف بررسی مسائل ایران تشکیل شده بود اما هیچ‌گونه تغییری در مواضع ایالات متحده (در این موضوع) به وجود نیاورد. از سوی دیگر و به موازات آنچه باید تغییر در مواضع روسیه در متوقف‌کردن مذاکرات هسته‌ای وین نامید و سفر وزیر خارجه آمریکا به منطقه برای تبیین راهبرد آمریکا در مذاکرات هسته‌ای و توجیه اجماع شورشیان منطقه‌ای علیه موافقت‌نامه، انریکه مورا مذاکره‌کننده ارشد اتحادیه اروپایی در گفت‌وگوهای وین اوایل هفته گذشته و پس از آنکه ژوزف بورل مسئول سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپایی در کنفرانس دوحه اعلام کرد «ایران و قدرت‌های غربی برای ازسرگیری توافق‌نامه وین در سال ۲۰۱۵ بسیار نزدیک هستند و روسیه اعلام کرده که تضمین‌های کتبی که عملکرد وی را به عنوان یکی از طرف‌های درگیر در موافقت‌نامه روان می‌کند، دریافت کرده است»، برای مذاکره با همتای ایرانی و وزیر امور خارجه عازم تهران شد. البته در این اثنا مسئولان آمریکایی در اظهارات خود درخصوص مذاکرات هسته‌ای با احتیاط بیشتری نسبت به دیگران سخن می‌گویند و در شرایطی که تقریبا تمامی طرف‌های غربی درگیر در گفت‌وگوهای هسته‌ای از قریب‌الوقوع‌بودن زمان رسیدن به توافق صحبت می‌کنند، رابرت مالی، نماینده ایالات متحده در این گفت‌وگوها هفته گذشته در اظهاراتی نسبتا متفاوت با نظرات وزیر خارجه آمریکا تأکید کرد متقاعد نشده که امکان رسیدن به توافق هسته‌ای قریب‌الوقوع است. رابرت مالی که در کنفرانس دوحه صحبت می‌کرد، اضافه کرده است که مدتی قبل هم ما فکر می‌کردیم که به حد کافی برای رسیدن به توافق نزدیک هستیم ولی این‌گونه نشد. همچنین جک سولیوان، مشاور امنیت ملی آمریکا، قبل از سفر به لهستان به همراه آقای بایدن رئیس‌جمهور ایالات متحده اظهار کرد که کشورش همواره به گفت‌وگو در مورد برنامه هسته‌ای ایران ادامه می‌دهد ولی با هم‌پیمانان خود هم برای ایجاد فشار بیشتر روی ایران در صورت شکست گفت‌وگوها در تماس است. به گفته وی پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای تاکنون در حل بسیاری از مسائل لازم برای بازگشت واشنگتن به توافق در چارچوب اصل «تطابق برای تطابق» به دست آمده، اما مشکلاتی همچنان باقی است و کارهایی برای انجام‌دادن پیش‌رو داریم. اظهارات سولیوان در زمانی ابراز شد که آقای امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه در تهران به گونه‌ای اظهار کرد که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با این ایده که چنانچه ازسرگیری موافقت‌نامه هسته‌ای تهران با قدرت‌های جهانی منوط به این امر باشد که آنها مورد تحریم‌های آمریکا باقی بمانند، احتمالا با آن موافق هستند. این اظهارات همچنین مصادف با سفر انریکه مورا به تهران هم شده بود. به هر حال آنچه در چند هفته اخیر و تعلیق چندباره مذاکرات هسته‌ای وین در دوره جدید و به‌ویژه پس از تهاجم روسیه به اوکراین قابل توجه است، اظهارات اخیر آقای «Clement-Therme» متخصص فرانسوی تحولات خاورمیانه است که معتقد است «بازی شروع‌شده توسط روسیه در مورد مذاکرات هسته‌ای، احتمالا به هدف به دست آوردن فرصتی برای فعال‌سازی مجدد موافقت‌نامه بوده، ولی در این فاصله از ورود نفت ایران به بازارهای بین‌المللی که باعث کاهش قیمت نفت می‌شود ممانعت به عمل آمد. همچنین به زعم آقای «Paul-Valery-de-Montpellier»، کارشناس و مدرس دانشگاه در فرانسه، «با افزایش قیمت نفت، مسکو امکان بهره‌برداری از سلاح انرژی در کارزار خود علیه غرب را به دست می‌آورد».

یادداشت

زنگ خطر در تونشی!

مهدی بازرگان: سومین نشست وزرای امور خارجه کشورهای همسایه افغانستان در تونشی چین، پنجشنبه هفته گذشته با صدور بیانیه‌ای به کار خود پایان داد؛ نشستی که هم دیدارها و رایزنی‌های جانبی‌اش با محوریت گفت‌وگوهای حسین امیرعبداللهیان با همتایان چین و روسش درخصوص روند مذاکرات وین و مناسبات تهران با پکن و مسکو حائز اهمیت بود و هم دستور کار اصلی این نشست درباره نقش همسایگان افغانستان در آینده این کشور. در باب دوم به نظر می‌رسد نشست تونشی، علی‌رغم عدم حضور معنادار دهلی‌نو زنگ خطری را ذیل تلاش کشورهای حاضر برای ایجاد مقدمات عادی‌سازی روابط کشورها با طالبان به صدا درآورده است. با وجود آنکه نشست مذکور بر سه نکته کلیدی مسئولیت‌پذیری، وفای به عهد و عمل به تعهدات در قالب شروط عادی‌سازی روابط کشورها با طالبان تأکید کرد، اما واقعیت‌های این دور از نشست وزرای امور خارجه کشورهای همسایه افغانستان که با حضور امیرخان متقی برگزار شد، نشان می‌دهد که نفس این حضور و دعوت از سرپرست وزیر امور خارجه حکومت طالبان بیش از آنکه با هدف روشنگری و به نوعی تأدیب جامعه جهانی در قبال عملکرد و رفتارهای مخرب امارت اسلامی افغانستان باشد، گویای آن است که طالبان با این حضور در تونشی توانست گام بزرگی در راستای تحقق «سیاست امر واقع» با هدف تحمیل خود به عنوان یک واقعیت در عرصه سیاسی افغانستان بر کشورهای همسایه و جامعه جهانی بردارد؛ آن‌هم طالبانی که نه‌تنها در زمینه ایجاد حکومتی فراگیر و نیز تعمیق و گسترش آزادی و برابری‌های قومی، مذهبی، اجتماعی، رسانه‌ای، حقوق بانوان افغانستان و... نتوانسته یا به بیان دقیق‌تر کلمه نخواسته اقداماتی مثبت، ولو اندک را اجرائی کند، بلکه به وضوح این کشور را در مسیر بن‌بستی تمام‌عیار در همه جوانب سوق داده است.